

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

در بحث امروز بنا بود کلام مرحوم محقق اصفهانی را عرض کنیم؛ اما دیدیم مناسبتر این است که قبل از ورود به کلام اصفهانی، ببینیم اشکالی که مرحوم آخوند به وجه دوم و سوم وارد کردند و در نتیجه آن دو را از قابلیت استدلال در مانحن فیه ساقط کردند، آیا وارد است یا نه؟ مرحوم محقق نائینی و به تبع ایشان مرحوم محقق خوئی (اعلی الله مقامهما) قائل هستند که به این آیه شریفه می‌توان برای مدعا استدلال کرد؛ و حتی دلالت آیه نفر را از دلالت آیه‌ی نبا اظهر میدانند. در مقابل، بزرگانی مثل مرحوم آخوند، مرحوم شیخ، مرحوم امام و جمع دیگری قائل هستند این آیه شریفه دلالت بر مدعا ندارد. باید ببینیم مرحوم نائینی از اشکالی که مرحوم آخوند بر وجه دوم و سوم وارد کرد، چه جوابی دارند؟. خلاصه‌ی اشکال این بود که ما در این آیه نمی‌توانیم بگوییم فائده‌ی منحصر انذار عبارتست از حذر به نحو مطلق؛ چه علم پیدا کنند و چه علم پیدا نکنند. بلکه ممکن است فایده مترتب بر انذار، وجوب تحذر عند حصول العلم باشد؛ و برای بیان این مطلب فرمودند اساساً این آیه شریفه در مقام بیان وجوب نفر است و در مقام بیان وجوب حذر نیست، تا ما اطلاق‌گیری کنیم. این اشکال مرحوم آخوند بود.

پاسخ مرحوم نائینی از اشکال مرحوم آخوند

مرحوم نائینی برای اینکه اصل مدعایشان را که اثبات حجیت خبر واحد از این آیه است را اثبات کنند، چند مقدمه ذکر کرده‌اند. و در یکی از مقدمات می‌فرماید با این مطلب، اشکال مرحوم آخوند دفع می‌شود. ایشان فرموده است در آیه شریفه، عبارات « [لِيَتَفَقَّهُوا](#) [لِيُنْذِرُوا](#) [۴](#) - [يَحْذَرُوا](#) » به نحو عام استغراقی هستند و نه عام مجموعی. آیه نمی‌گوید از هر قومی طایفه‌ای به صورت مجموع بلند شوند بروند تفقه کنند و بعد هم که بر می‌گردند دسته جمعی و من حیث المجموع بیايند انذار کنند؛ بلکه مراد در آیه به نحو عام استغراقی است؛ یعنی [لِيَتَفَقَّهُوا](#) [كُلِّ](#) [وَاحِدٍ](#) [وَاحِدٍ](#) [مِنَ](#) [الْأَفْرَاقِ](#) [تَك](#) [تَك](#) [كَسَانِي](#) [كَه](#) [بِه](#) [مَدِينَه](#) [كُوج](#) [مِي](#) [كُننَد](#) [هَر](#) [كِدَام](#) [بَايَد](#) [مُسْتَقْلَاً](#) [تَفَقَه](#) [كُننَد](#) و وقتی برگشتند خودشان بیايند مستقلاً انذار کنند. فرق این دو آن است که اگر گفتیم به نحو عام مجموعی است، اگر گروهی بروند و گروهی بیايند انذار کنند، این مفید علم است؛ اگر ده نفر از يك شهري به مدینه بروند و بعد باهم بیايند در مسجد مردم را جمع کنند و مطلبي را باهم بیان کنند، اینجا عادتاً مفید علم است؛ اما اگر گفتیم عام استغراقی است، و تک بروند برای علم، وقتی برگشتند یا باهم بر می‌گردند و یا جدا جدا، هر کدام هر کسی را دید انذار کند، دیگر در این جا عادتاً مفید علم نیست.

بررسی کلام مرحوم محقق خوئی در تایید مرحوم محقق نائینی

مرحوم نائینی فقط صرفاً ادعا می‌کنند و دلیلی بر این مدعایشان نیاورده اند؛ گویا این را به وضوحش واگذار کردند. اما شاید بشود چند نکته از کلام مرحوم آقای خوئی در کتاب مصباح الاصول استفاده کرد. نکته‌ی اول فرموده‌اند: تقابل جمع با جمع ظهور

در توزیع دارد؛ مثلاً فرمودند در آیه‌ی شریفه (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ) معنای «فاغسلوا» این نیست که مجموعاً بیاید مجموع را بشوید؛ نه، هر کسی وجه خودش را بشوید. ظهور در کل و احد واحد دارد. «فاغسلوا وجوهکم» یعنی **أَنْ يَغْسِلَ كُلَّ وَاحِدٍ وَجْهَهُ وَیَدَهُ لَا أَنْ يَغْسِلَ الْمَجْمُوعَ وَجْهَ الْمَجْمُوعِ**. در پرانتز این مطلب را عرض کنم؛ هرچند ارتباطی به بحث ندارد. یک وقتی در یکی از این نوشته‌ها می‌دیدیم که یکی از نویسندگان برای اینکه بگوید اجتهاد شورایی درست است - همین نکته‌ای که این روزها مقداری سر زبانها افتاده است - گفته بود: یکی از ادله‌ای جواز تقلید و حجیت قول مجتهد آیه شریفه (فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) است؛ و گفته بود این آیه اطلاق دارد؛ چه شما بروید از یک نفر از اهل ذکر سؤال کنید، چه بروید از یک شورا و مجموعه سؤال کنید. پس، آیه می‌گوید مانعی ندارد؛ اگر مجموع نشستند، فتوایی دادند، این مانعی ندارد.

حالا با غمض نظر از اینکه فتوای شورایی یک تعبیری است که در آن تضاد وجود دارد. مقوم فتوا استنباط شخصی مجتهد است؛ ماهیت فتوا یعنی آنچه را که یک نفر در اثر استنباط شخصی خودش می‌تواند درک کند؛ و این اصلاً قابلیت شورایی بودن را ندارد. ما نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم، اما انصاف این است که از کجای آیه می‌شود چنین چیزی را استفاده کرد؛ فقیه کم نظیر شیعه مرحوم آقای خوئی (قدس سره) می‌فرماید: تقابل جمع با جمع ظهور در توزیع دارد. کلمات فقهای دیگر هم وجود دارد. بنابراین، تا اینجا معلوم شد که آیه ظهور در عام مجموعی ندارد؛ که اگر ظهور در عام مجموعی داشت، حرف مرحوم آخوند درست بود؛ اما آیه ظهور در عام استغراقی دارد؛ عام استغراقی هم می‌گوید اگر یک نفر هم گفت باید تحذر داشته باشند؛ که از قول یک نفر علم حاصل نمی‌شود. باز خود مرحوم آقای خوئی غیر از این مطلب، چند نکته‌ی دیگر هم اضافی بر فرمایش مرحوم نائینی دارند. اولین نکته که دیروز هم در بحث بعضی از آقایان اشاره کردند، این است که اگر کسی مثل مرحوم آخوند بگوید که خداوند در این آیه شریفه فقط در مقام بیان وجوب نفر است و در مقام بیان وجوب تحذر نیست تا بگوییم اطلاق دارد، باز این حرف هم باطل است. ما اگر شك کنیم که در مقام بیان وجوب تحذر هست یا نه؟

اصل این است که متکلم از این جهت هم در مقام بیان هست. ما دیروز از مرحوم آخوند دفاع کردیم و گفتیم اصلاً نوبت به شك نمی‌رسد. می‌گوییم یقین داریم متکلم در اینجا در مقام بیان وجوب نفر است. همین اندازه می‌خواهد بگوید یک عده بروند مدینه؛ «**لَعَلَّكُمْ يَحْذَرُونَ**» را گفتیم مثل «**لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ**» است؛ همانطور که در «**کتاب علیکم الصیام**» شارع در مقام بیان اصل تشریع صوم، اصل وجوب صوم است؛ حالا نمی‌توانیم بگوییم اصلاً در مقام بیان این است که تقوا حاصل بشود تا بگوییم «لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ» اطلاق دارد. همه‌ی موارد تقوا را می‌گیرد؛ اما ممکن است کسی به ما بگوید اینها را نمی‌شود مقایسه کرد. در آیه صوم مطلب اینطور هست، اما در اینجا برای ما چنین یقینی نیست؛ و شك داریم که متکلم علاوه بر اینکه در مقام وجوب نفر است، در مقام بیان وجوب حذر هم هست یا نیست؛ اصل این است که در مقام بیان هست. و این مطلب تقویت می‌شود. یعنی اگر نوبت به شك رسید، می‌گوییم بله، وقتی شك کردید، متکلم از این جهت هم در مقام بیان است یا نه؛ اصل عقلایی داریم؛ **أَصَالَةُ كَوْنِهِ فِي مَقَامِ الْبَيَانِ**.

بیان مرحوم امام خمینی

نکته‌ای را نیز از کلمات مرحوم امام عرض کنم. در بعضی از مباحث فقهی، ایشان تصریح کردند به اینکه اگر کسی بگوید برای اینکه متکلم در مقام بیان باشد، باید احراز قطعی داشته باشیم؛ الان هم نسبت به اینکه آیا در تحذر، در مقام بیان است یا نه، احراز قطعی نداریم؛ در حالی که برای مقام بیان، باید احراز قطعی داشته باشیم. یعنی هر جا یقین کردیم که در مقام بیان است، به اطلاق تمسک می‌کنیم. یک مقدار دقیق‌تر اگر بخواهیم حرف بزنیم، می‌گوییم در باب شروط، اگر مشروط بخواهد محقق شود، باید شرط را احراز کنیم. حالا اینجا هم بگوییم شرط تمسک به اطلاق این است که متکلم در مقام بیان باشد؛ تا شرط احراز نشود، مشروط هم نمی‌آید. احرازش هم باید به نحو احراز قطعی باشد؛ یعنی به تحقق شرط قطع پیدا کند تا بعد مشروط محقق شود. این

را در جواب بیان فرمودند، و مطلب درستی است. بیشتر این نکته را می‌خواهم آقایان در ذهنشان بسپارند؛ نکته‌ی خیلی خوبی است؛ همین مقدار که ظاهر حال متکلم این است که در مقام بیان است، کافی است؛ قطع لازم نیست داشته باشیم. آن وقت در مانحن فیه هم می‌گوییم شكّ می‌کنیم «**لعلّهم يحذرون**» در مقام بیان است یا نه، ظهور در این دارد که در مقام بیان است؛ و مثل «**لعلّکم تتّقون**» نیست. پس، خلاصه حرف این شد که مرحوم آخوند فرمود در این آیه، خداوند در مقام وجوب نفر است، و در مقام بیان غایتیت الحذر نیست. در جواب می‌گوییم: نه، در مقام غایتیت الحذر هم هست؛ اصالة کون المتکلم في مقام البيان را جاری می‌کنیم؛ مگر آن که کسی بگوید یقین دارد که آیه فقط در مقام بیان وجوب نفر است. آن وقت این بیان و اشکال به آخوند را تقویت می‌کنیم که چطور می‌شود که آیه فقط در مقام بیان وجوب نفر است، اما تفقه نه؟ «لینذروا» نیز قطعاً در مقام بیان است؛ همه اینها از اول آیه تا اینجا در مقام بیان است؛ به «**لعلّهم يحذرون**» که رسیدیم، آنجا هم بگوییم در مقام بیان است. پس، این مطلب آخوند هم مورد مناقشه واقع می‌شود.

بررسی اطلاق انذار در آیه شریفه

مطلب دیگر این است که آیا انذار اطلاق دارد یا نه؟ یعنی آیا منذر فقط در جایی که بداند منذر عمل می‌کند، می‌تواند انذار کند یا نه، منذر مطلقاً باید انذار کند؛ به نظر، «لینذروا» اطلاق دارد، یعنی سواء حصل العلم للمنذر أم لم يحصل العلم للمنذر؛ برای منذر فرقی نمی‌کند و انذار برای او واجب است؛ می‌خواهد از انذار منذر برای منذر علم حاصل شود یا نه. اگر گفتیم انذار اطلاق دارد، تحذر را هم باید بگوییم اطلاق دارد؛ یعنی همانطور که او باید انذار کند، سواء افاد العلم للمنذر أم لم يفد، تحذر هم برای منذر واجب است، چه علم پیدا کند و چه علم پیدا نکند؛ که این تقریباً همان تکمیلی بود که در اشکال قبل بیان کردیم. گفتیم تا قبل از «**لعلّهم يحذرون**» چطور اطلاق دارد و در مقام بیان است؛ اما به «يحذرون» که می‌رسید می‌گویید در مقام بیان نیست و اطلاق ندارد؟! پس، همان‌طور که «لینذروا» اطلاق دارد، تحذر را هم باید بگوییم اطلاق دارد. اما عمده این است که ما وجوب تحذر را از کجا می‌توانیم اثبات کنیم؟ یکی از کسانی که نظریه مرحوم اصفهانی را در عصر خودش تایید کرده، مرحوم محقق عراقی است؛ با اینکه محقق اصفهانی معنایی بر خلاف مشهور بیان کردند؛ مرحوم محقق عراقی هم همین نظر را دارند. رجوع کنید به صفحه‌ی 185 از جلد 3 حاشیه‌ی فوائد الاصول. فردا ان شاء الله این نظر را تکمیل می‌کنیم.